

«در پرتوی دیگر»

«رمان»

ای جان دل رخصت بده به ساحل دریا روم
مشتی پر از دریا کنم بر غلغل دریا نهم
دل را به نامت پر کنم وانگه ندای دل زخم
بر آن ندا سازی بنه تاسوزشی بر جان دهم
چون یاد تو آغازش راز نهان من شود
به قصه‌ها با غصه‌ها در آن نهان من پر کنم
قصه‌ای گویم زدل "پرتو" مزین نام آن
چون رخصتی دادی به جان آغاز دل اینک دمم

مؤلف: فاطمه نوروزی

سرشناسه : نوروژی، فاطمه، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور : در پرتوی دیگر / مؤلف فاطمه نوروژی.

مشخصات نشر : آبادان: انتشارات حضرت ابوالفضل العباس (ع)، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۴۴۰ ص.

شابک: ۲۲۰۰۰۰ ریال: ۳-۸۲-۲۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : Darpartovidigar

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع : Persian fiction -- 20th century

رده بندی ننگره : PIR ۸۳۶۲ / و ۴۵۴۱۳ ۱۳۹۶

رده بندی دیویی : ۸۳۶۲ / ۳۶۲

شماره کتابشناسی : ۴۹۸۶

انتشارات حضرت ابوالفضل "عباس"

آبادان کوی کارگر ردیف او ۱۳ اطاق ۸

تلفن ۰۹۱۶۳۳۱۵۷۵۰

نام کتاب: در پرتوی دیگر (رمان)

مؤلف: فاطمه نوروژی

متولد: ۱۳۶۱

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

قطع: رقعی تیراژ: ۱۰۰۰

سال: ۱۳۹۷ - چاپ اول - شابک: ۳-۸۲-۲۵۳۰-۹۶۴-۹۷۸

چاپ: احسان

تلفن مؤلف: ۰۹۱۶۹۸۸۵۷۲۸

تلفن: ناشر ۰۹۱۶۳۳۱۵۷۵۰

سرفصل‌ها

- ۱- به همه چیز آنها حسادت می‌ورزم-
- ۲- من پرستو نیستم
- ۳- من نمی‌دانم چه اتفاقی برای پروانه افتاده است
- ۴- چقدر شبیه من است
- ۵- بخدا توکل کن
- ۶- احساس می‌کنم سالهاست او را می‌شناسم
- ۷- آن نقش را از کجا آمده‌اند
- ۸- بدان خاطر پروانه دیروز و پرستو امروز
- ۹- واقعا نمی‌دانم چرا این حال که هستم
- ۱۰- کاش هم من پرستو بافی می‌ماندم
- ۱۱- برای مدتی دستاوردت را بفرست
- ۱۲- چقدر وابسته و نازناز
- ۱۳- اقلأً برای مدتی از شر او خلاص می‌شوم
- ۱۴- آرزو می‌کنم که هیچ وقت حافظه‌ام را بفرستم
- ۱۵- در این خانه نقش نتوان بازی کرد
- ۱۶- هم پروانه مینا دارد و هم پرستو
- ۱۷- شرق در غرب یا غرب در شرق
- ۱۸- تو چرا از من می‌ترسی
- ۱۹- او همسر من نیز هست
- ۲۰- چه چیز تو از من زیادی ست
- ۲۱- بیشتر از قبل حال و هوای او را داشته باشیم
- ۲۲- روی من حساب کن
- ۲۳- چگونه می‌توان او را تحمل کن
- ۲۴- و اما هنر بازیگری
- ۲۵- امروز اصلاً تمام کارهای او عجیب و غریب است
- ۲۶- ما فقط هم دانشجویی هستیم
- ۲۷- تو را بروح پدر این عشق را از بین ببر
- ۲۸- من کاری با پرستو ندارم

- ۲۹- کمترین خطای تو برابرست با مرگ
- ۳۰- این روزها خیلی مهربان شده ایی
- ۳۱- فاتحه این دانشکده نه، فاتحه شما
- ۳۲- ناسلامتی نمایش نامه نویسی تو هستی
- ۳۳- ما کجا و این جور مکان ها کجا
- ۳۴- رای چه اینقدر پرستو را دوست دارید
- ۳۵- بگزان شما از چه چیزی ست
- ۳۶- بیه کسانی شده ایی که حافظه شان را از دست داده اند
- ۳۷- تو از جای حوا، رزاق من چه می خواهی
- ۳۸- میان من و تو به فاصله ایست بی پایان
- ۳۹- تا کی باید با عشق من تو درد دل کنی
- ۴۰- احساس می کنم به دست من ما نیست
- ۴۱- می خواهم مثل تو پای باشم
- ۴۲- از جای من بلند شوید
- ۴۳- جمع دوستانه ما چگونه است
- ۴۴- نمی خواهم نگاهی غیر از نگاه او بسد من باشد
- ۴۵- تابع یک رنگ باشید نه چند رنگ
- ۴۶- چرا ز فردا که فردا نیز خواهی گفت ز فردا
- ۴۷- مگر در این مملکت آزادی و پیشرفت وجود ندارد
- ۴۸- آرامش قبلی را به او بازگردانید
- ۴۹- من پدر امید برزگر هستم
- ۵۰- گذشته های خود را مرور کنیم
- ۵۱- در این دل یا جای من است یا جای پرستو
- ۵۲- نمی خواهی بگویی که لطف او را فراموش کرده ایی
- ۵۳- آغوش من بوی که را می دهد
- ۵۴- به چه نوع افکار و مذهبی اعتقاد داری
- ۵۵- اگر تو عاشق آن دختر هستی من افسون شده او هستم
- ۵۶- من غیرت و جوانمردانگی تو را دیدم
- ۵۷- این درختچه پر از گل نقطه اتصال قلبی ماست

- ۵۸-راز گل سرخ
- ۵۹-وقت چندانی نداریم
- ۶۰-مرا چگونه می بخشید
- ۶۱-این دختر همان پروانه من است و نه پرستو شما
- ۶۲-رقیب بعد از دو سال خودش را نشان داد
- ۶۳-چیزی جز مهر پدری از پدر خود نمی خواهم
- ۶۴-تا کی می خواهید این نقاب را بر چهره نگه دارید
- ۶۵-من می خواهم بدون پاسخ از این دنیا بروم
- ۶۶-بفرما او هیچ کس شایسته این شاخه گل نیست
- ۶۷-زبان دیدنش را مرا بگیرد
- ۶۸-چطور جرات کردی دستت را بر خواهر ما دراز کنی
- ۶۹-ما همگی پیش تو هستیم
- ۷۰-دل من تکه تکه گشت
- ۷۱-به جمع مهر و دوستی حقیقتی را خدایا هرانه خوش آمدید
- ۷۲-آن قدمها برای من خیلی آشن بود
- ۷۳-هیچ پرتویی به زیبایی پرتوهای شما نیست
- ۷۴-می توانم آش را هم بزنم
- ۷۵-تنها عشق پرستو شما هستید
- ۷۶-به چه گناهی پدرم را سر بریدی
- ۷۷-کدامیک از شما دو نفر نوه من است
- ۷۸-می خواهم دخترم را ببینم
- ۷۹-احساس می کنم که تازه متولد شده ام
- ۸۰-خوشا به دلی که گلی چون تو را دارد